

بررسی و نقد درون دینی حجیت کتاب مقدس در مسیحیت

سید مرتضی میرتبار*

مهراب صادق نیا**

چکیده

کتاب مقدس بزرگ‌ترین منبع الاهیاتی مسیحیت است که از لحاظ درون دینی بیشترین حجیت و اعتبار ممکن را دارد. حجیت ویژگی‌ای است که در تاریخ هر نوشته یا شرح آن به وجود می‌آید و از احترام و تقدسی سخن می‌گوید که خالق آن کار، آن را حفظ کرده است. الاهی‌دانان بزرگ مسیحی از همان سده‌های نخستین، کتاب مقدس را کلام و وحی الاهی دانسته‌اند که از طریق روح القدس نازل شده و انبیا و رسولان فقط وسیله و قلم او بوده‌اند. آیات مختلفی در عهد جدید وجود دارد که حجیت کتاب مقدس را اثبات می‌کند. عیسی مسیح نیز کتاب مقدس را معتبر و دارای حجیت فراوان می‌دانست. لذا باید گفت کتاب مقدس معتبر است و همه موظف به اطاعت از آن هستند. انسان‌ها و اعتقادنامه‌ها و کلیسا باید تابع اعتبار کتاب مقدس باشند. اما اشکالات متعددی به حجیت دورنی کتاب مقدس وارد است که باعث بی‌اعتباری استدلال‌های آن می‌شود. در این مقاله استدلال‌های حجیت کتاب مقدس را بررسی و نقد می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: حجیت، کتاب مقدس، مسیحیت، وحی.

* دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول) smmb_110@yahoo.com

** استادیار گروه ادیان ابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب sadeghnam@yahoo.com

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۶]

مقدمه

بحث حجیت کتاب مقدس از جمله مباحثی است که در ادیان ابراهیمی و تا حدودی در سایر ادیان جریان دارد و در واقع از مباحث رایج در ادیان به شمار می‌رود. البته حجیت‌داشتن و خطاناپذیری کتاب مقدس، تا قبل از دوران روشنگری از جمله مسائل مشترک میان ادیان بود، به طوری که هیچ یک از محققان دین‌شناسی اشکال و نقصی به حجیت کتاب مقدس خویش وارد نمی‌کردند. در واقع، پایان یافتن دوران قرون وسطا و تسلط علوم عقلی بر حوزه نقلی باعث شکل‌گیری مباحثی درباره نقض اصل حجیت و خطاناپذیری کتاب مقدس شد. از دوران عقل‌گرایی بود که بحث حجیت کتاب مقدس صرفاً انسانی به حساب می‌آمد و نقدهای مختلفی به آن می‌شد که از جمله آن شواهدی درباره ویژگی انسانی و نه الهی نوشته‌های متون مقدس بود که در نهایت موجب شد بسیاری از بزرگان مسیحی، متون مقدس را مجموعه‌ای از اسناد تاریخی بدانند و لذا تفاسیر متفاوتی نسبت به دوران قبل به وجود آمد (پان-برگ، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۹). حجیت کتاب مقدس را می‌توان هم از لحاظ بیرونی و هم از لحاظ درونی بررسی کرد. اما آنچه در این مقاله می‌کاویم حجیت درونی کتاب مقدس است؛ و منظور از آن بررسی حجیت درونی یک کتاب است که از ویژگی‌های خود آن کتاب ناشی شده است؛ ویژگی‌هایی همچون درستی تمام مطالب آن، صحت و اعتباربخشیدن خود کتاب به متونش، جاذبه‌داشتن آن و

اهمیت بحث حجیت به حدی است که حتی در شورای واتیکان دو نیز وارد شده است. در بیانیه این شورا آمده است:

بنابراین، از آنجا که باید پذیرفت هر آنچه نویسندگان الهام‌یافته یا نگارندگان مقدس تصدیق کرده‌اند همان چیزی است که توسط روح‌القدس تصدیق شده، باید پذیرفت که کتب کتاب مقدس با صراحت، با امانت، و بدون خطا، حقیقتی را که خدا می‌خواسته است تا ما به جهت نجات یافتن از آن آگاه شویم، در خود جای داده‌اند (لین، ۱۳۹۰: ۴۹۲).

مسیحیان معتقدند خداوند می‌خواهد انسان‌ها را به سوی نجات راهنمایی کند و برای این کار از راه مکاشفه وارد عمل شده است. در واقع مکاشفه خدا، در الاهیات

مسیحی، همان جایگاهی را دارد که سخن‌گفتن خدا در یهودیت و اسلام دارد (Bowden, 2005: 1032). طبق دیدگاه مسیحیان، مکاشفه خداوند به دو صورت عام و خاص صورت گرفته است. مکاشفه عام در تاریخ و طبیعت انجام می‌گیرد. انسان با کمک عقل و با دقت در مکاشفه عام به وجود خداوند پی می‌برد، اما شناخت کامل حاصل نمی‌گردد. اما مکاشفه خاص، مکاشفه‌ای است که از طریق خداوند انجام می‌گیرد. این نوع مکاشفه به دو صورت است؛ نوع اول، مکاشفه خدا در عیسی مسیح است که منحصر به دوره‌ای خاص است و بعد از به صلیب کشیده‌شدن عیسی پایان یافت. نوع دوم، مکاشفه خدا در کتاب مقدس است که بر اساس آن خداوند منبع کاملی در اختیار ما قرار داد که دست‌یابی به نجات و هدایت را فراهم می‌کند. در واقع، کلام خداوند در کلیسا اعلان عیسی مسیح یعنی همان کتاب مقدس است (باوم، بی‌تا: ۱۱).

بنابراین، می‌توان گفت منبع اصلی تمام اندیشه‌ورزی‌های مسیحی کتاب مقدس است (رایت، بی‌تا: ۳۸) که شاهدهی بر پایه تاریخی مسیحیت، هم در تاریخ بنی‌اسرائیل و هم زندگی و مرگ و رستاخیز عیسی مسیح است (مک‌گراث، ۱۳۸۴: ۲۷۵). از سوی دیگر، روند الاهیات قرون وسطا این‌گونه تعیین می‌شد که حجیت اساسی از آن کتاب مقدس است. در نهضت اصلاحات، حجیت کتاب مقدس در مقابل حجیت تعالیم کلیسا بررسی شد؛ هرچند دومی به طور کامل انکار نشد بلکه فرعی و وابسته به حساب آمد (پان‌برگ، ۱۳۸۶: ۵۸). اما سخن اصلی بسیاری از مبارزان قرون وسطا برای اصلاح کلیسا و جامعه، درخواست تجدید نظر درباره اعتبار و اقتدار کتاب مقدس بود (Pelikan, 2005: 132-133).

پرسشی که در این مقاله در پی پاسخ به آنیم این است که آیا کتاب مقدس حجیت درونی دارد؟ چگونه می‌توان آن را اثبات کرد؟ و چه نقدهایی بر آن وارد است؟ پیش از پرداختن به مسئله حجیت کتاب مقدس بررسی مسئله وحی و مکاشفه نیز ضروری است اما چون در لابه‌لای مباحث به آن اشاره می‌شود نیازی به بررسی مستقل نیست.

واژه‌شناسی حجیت عهدین

تعبیر «حجیت کتاب مقدس» در واقع خاص الاهیات مسیحی است و در جریان

الاهیات مسیحی شکل گرفته است (Hammer, 1993: 65)، هرچند بعدها در سایر ادیان نیز به وجود آمد، ولی این الاهیات مسیحی بود که از این تعبیر برای نقادی کتاب مقدس بهره برد. با وجود این، هر زمان که حجیت کتاب مقدس را درک می‌کنیم به سبب آن به وجود لایه‌های عظیمی از جذابیت در ادیان ابراهیمی پی می‌بریم (Chilton, 1999: 125). در واقع، حجیت کتاب مقدس در جریان زندگی و اعمال جامعه ایمانی کاربرد دارد؛ چراکه تمام آموزه‌ها و دگماهای موجود در مسیحیت ریشه در کتاب مقدس دارد و به عنوان مکاشفه خاص در میان جامعه ایمانی مسیحی شناخته می‌شود. بنابراین، مسئله حجیت کتاب مقدس و بررسی آن اهمیت بسیار دارد (Pelikan, 2005: 69).

از ابتدای کلیسا، هر نظریه‌پرداز مسیحی به صورت صریح یا ضمنی مباحثی در باب حجیت انجام داد و اطلاعاتی در این زمینه عرضه کرد. البته باید دانست که این موضوع در آن دوره مسئله‌ای جدی به شمار نمی‌آمد. در قرن شانزدهم با آمدن اصلاح‌طلبان مسیحی این بحث اهمیت چشم‌گیری یافت (Migliore, 2004: 44) به طوری که امروزه مسئله حجیت کتاب مقدس، اساسی‌ترین مسئله اختلافی میان مسیحیان معتقد و غیر آنان است. در واقع، تا نیم قرن پیش بزرگ‌ترین اختلاف در اروپا، یعنی در جهان مسیحی، به شمار می‌رفت (Meynall, 2016: 2).

در همین دوران بحث حجیت مسئله‌ای جدی در دیگر ادیان ابراهیمی شد و اشکالاتی بر آن وارد گردید که هر یک از این ادیان آسمانی پاسخ‌های مختلفی در باب اثبات حجیت کتاب مقدس عرضه کردند. از جمله اشکالاتی که در باب حجیت وارد شده این است که برخی متون مقدس را ذاتاً دارای حجیت نمی‌دانند، بلکه اجماع دینی را عامل حجیت یافتن آن دانسته‌اند (Coogan, 2008: 124). برخی نیز معتقدند حجیت کتاب مقدس در کلمات آن یافت نمی‌شود، بلکه در پیامی است که این کلمات می‌رسانند (Vangemeran, 1999: 168). الاهی‌دانانی که قائل به حجیت ذاتی هستند این دیدگاه‌ها را قبول ندارند و دلایل درون‌دینی متعددی برای رد این دیدگاه‌ها و اثبات حجیت ذاتی داشتن کتب مقدسشان عرضه می‌کنند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

حجیت در لغت و اصطلاح

حجیت، که معمولاً در انگلیسی برای آن از واژه authority استفاده می‌شود به معنای اعتبار و اقتدار است و منظور از آن در خور اعتماد بودن و موثق بودن تمام گفته‌های

کتاب مقدس است؛ اعتقادی که تا پیش از عصر روشنگری بین تمام الاهی‌دانان ادیان آسمانی رواج داشت و شبهه‌ای در آن مطرح نبود. به همین سبب، در کل تاریخ عمومی ادیان مطالعه تطبیقی درباره حجیت کتاب مقدس صورت نگرفته و توجه کافی به آن نشده است (Waida, 2005, vol. 2: 697). حجیتی که در کتاب مقدس و سنت مسیحی از آن یاد شده عمدتاً هم‌معنای واژه Exousia در زبان یونانی است که از واژه Exestin مشتق شده است.

حجیت پدیده‌ای ثابت و فراگیر در تاریخ ادیان است که اغلب در چند زمینه همچون حجیت سنت، حجیت کلیسا، حجیت امپراتوری و حجیت کتاب مقدس کاربرد دارد (Ibid.). اما آنچه در این مقاله بررسی خواهد شد حجیت کتاب مقدس است. حجیت کتاب مقدس به معنای قدرت بلامنازع این کتاب است و حتی حجیتی که در تفاسیر آن وجود دارد نیز ویژگی این کتاب محسوب می‌شود (Pelikan, 2005: 167). رایت در کتاب خود در تعریف حجیت کتاب مقدس می‌نویسد:

اقتدار کتاب مقدس، ایجازی است از اقتدار خدا که از طریق کتاب مقدس اعمال می‌شود ... رساله عبرانیان با الفاظ و عباراتی شکوهمند می‌گوید که در گذشته، خدا از طریق کتاب مقدس سخن گفته اما تأکید می‌کند که اکنون سرانجام، خدا از طریق پسر خود سخن گفته است (۱: ۱-۲). از آنجا که خود این بیانات جزء کتاب مقدس هستند نتیجه می‌گیریم ... که اقتدار و حجیت نهایی و حقیقی متعلق به خدا است (رایت، بی‌تا: ۴۹-۵۰).

در کتاب مقدس عبری نیز دو کلمه عبری وجود دارد که به معنای حجیت ترجمه شده است. البته در این معنا، بسیار پراکنده و کم استفاده شده است. اولین کلمه *rbol* است و معنای معمولی که از آن به دست می‌آید تأثیری است که موجب خوشحالی مردم می‌شود، زمانی که به عنوان اقتدار بیان می‌گردد (Bromiley, 1979: 365). دومین واژه‌ای که در عهد عبری آمده *toqep* است که در استر باب ۹، نمونه آن یافت می‌شود. در اینجا استر و مردخای حجیت کامل را در تأیید دومین نامه پوریم نوشته‌اند که در آیه ۳۰ همین باب نظر موازی آن نیز آمده است (Ibid.) که به هر دو آیه اشاره می‌شود: «و استر ملکه دختر ابیحایل و مردخای یهودی به اقتدار تمام نوشتند تا این مراسله دوم را درباره فوریم برقرار نمایند و مکتوبات مشتمل بر سخنان سلامتی و امنیت نزد جمیع یهودیانی

که در صد و بیست و هفت ولایت مملکت آخسورُش بودند فرستاد» (استر ۹: ۲۹-۳۰). نکته جالب توجه اینکه در سخنان دانشمندان یهودی کتاب مقدس در دوره‌های مختلف، از واژه Exousia به طور معمول استفاده می‌شود (Ibid.) که این خود مؤیدی بر کاربرد این کلمه است.

نکته دیگر اینکه حجیت و اعتبار کتاب مقدس در هر دوره‌ای تغییراتی را در خود احساس می‌کرد. در واقع، حجیت کتاب مقدس نسل به نسل گسترش می‌یافت و هر فعل و انفعالی که در تعلیم کتاب مقدس در هر دوره رخ می‌داد بر تغییرات و توسعه حجیت و میزان اعتبار کتاب مقدس در هر دین تأثیر می‌گذاشت (Vangemeran, 1999: 9). از سوی دیگر، برخی قائل به حجیت تفاسیر کتاب مقدس نیز هستند. در پاسخ به دیدگاه آنان باید گفت رابطه حجیتی که تفاسیر متون مقدس دارند در حجیتی است که اصل متون مقدس دارند و این مسئله‌ای است که هم سنت مسیحی و هم سنت یهودی به آن قائل‌اند. اسلام نیز همچون دو دین دیگر ابراهیمی اعتبار تفاسیر را مربوط به اصل متون مقدس می‌داند (Pelikan, 2005: 6). البته منظور از تفسیر، تفاسیر موضوعی و آیه به آیه است نه تفاسیر نامعتبر و به رأی.

بررسی حجیت درون‌دینی کتاب مقدس

مسیحیان معتقدند در واقع، نه کلیسا و نه هیچ شورایی، کتاب را رسمی یا قانونی و معتبر نکرده است، بلکه کتاب، یا معتبر است یا نیست؛ و کلیسا و شورا فقط در حد تشخیص اعتبار، و اعلام آن عمل می‌کنند (محمدیان و دیگران، ۱۳۸۰: ۵). در *دایرة‌المعارف کتاب مقدس آمده است:*

کلام خدا بایستی به عنوان اقتدار نهایی در تمامی چیزهایی که متعلق به زندگی و دینداری است پذیرفته، اطاعت گردیده و به آن ایمان آورده شود (متی ۵: ۱۷-۱۹؛ یوحنا ۱۴: ۲۱؛ ۱۵: ۱۰؛ ۲ تیمو ۳: ۱۵-۱۶). کتاب مقدس در کلیسا بایستی به عنوان اقتدار نهایی در تمام موضوعاتی همچون تعلیم، توبیخ، تصحیح و آموزش زندگی عادلانه (۲ تیمو ۳: ۱۶-۱۷) استفاده گردد. هیچ کس نمی‌تواند بدون تسلیم شدن به خدا و کلام او به عنوان معیار نهایی، تسلیم خداوندی مسیح گردد (یوحنا ۸: ۳۱-۳۲، ۳۷) (محمدیان، ۱۳۸۰: ۴۰).

با وجود این، باید گفت در همان زمان که کلیسا در حال رشد بود، رسولان دروغین و اشخاص ضد مسیح، تعالیشان را به کلیسا تحمیل می‌کردند (نک: دوم قرن‌تیاں ۱۱: ۱۲-۱۵؛ کولسیان ۲؛ دوم پطرس ۲؛ اول یوحنا ۲: ۱۸-۱۹). در همان زمان که کلام خدا منتشر می‌شد نوشته‌های مختلف دیگری نیز به وجود آمد. با گذشت زمان، کلیسا ملاک‌هایی را برای تشخیص کتب الهامی تعیین کرد و به آن کتاب‌ها در کلیسا اعتبار و جایگاه خاص آنها را بخشید. این فرآیند باعث شد کتاب مقدس از سایر نوشته‌ها متمایز شود (وودورت و دانکن، بی‌تا: ۶۷). اصولی که بر اساس آنها کتب رسمی عهد جدید تعیین شدند و نشانه صحت و مشروعیت این کتاب‌ها بود عبارت است از:

۱. باید رسولان آن را تألیف یا تأیید کرده باشند.
۲. باید کلیسای اولیه آن را معتبر شناخته باشد.
۳. باید با کتاب‌هایی که درباره آنها هیچ شکی وجود ندارد هماهنگ باشد (اسپرول بی‌تا: ۴۸-۴۹). در واقع، باید با تعالیم عهد عتیق و نیز تعالیم رسولان که شفاهی نقل می‌شد، سازگار باشد.

۴. باید شهادت کافی برای نشان دادن الهام خدا (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶) بر کتاب مد نظر موجود باشد؛ چراکه شهادت داخلی روح‌القدس بر اصالت و اعتبار کتاب از عوامل اساسی محسوب می‌شود.

۵. باید کتاب مد نظر قدرت دگرگونی و اصلاح داشته باشد. هرچند این ماده به اندازه سایر مواد مهم نیست، اما به اندازه‌ای اهمیت دارد که جزء ضوابط شمرده شود (خاچیکی، ۲۰۰۷: ۳۸-۳۹). در واقع، قدرت کلام این کتب است که زندگی انسان را متحول می‌کند و کلیسایی جدید را شکل می‌دهد (رایت، بی‌تا: ۷۹).

در واقع، الهی‌دانان مسیحی از همان سده‌های نخستین کلیسا معتقد بودند کتاب مقدس به وسیله کلمه خدا و روح‌القدس بر نویسندگان الهام شده است. برای نمونه، کلمنت اسکندرانی، روح‌القدس را به دهان خداوند تشبیه کرده و اریگن نیز روح‌القدس را نازل‌کننده کتاب مقدس می‌داند. گریگوری نیز معتقد است انبیا فقط در حکم ابزار و قلمی برای روح‌القدس هستند. در واقع، این روح‌القدس است که مؤلف اصلی کتاب مقدس است (ماسون، ۱۳۷۹: ۳۱۲).

ادله حجیت درون‌دینی و نقد علل

چنان‌که گذشت، مهم‌ترین دلیل حجیت کتاب مقدس الهامی بودن این کتاب و ارسال آن از سوی خداوند است. اهمیت الهامی بودن به حدی است که بیش از ۳۰۰۰ بار در کتاب مقدس تصریح به کلام الاهی بودن آن آمده است (Grant, 1997: 9). طبق دیدگاه مسیحیان، آموزه الهامی بودن کتاب مقدس همانند سایر آموزه‌ها بر اساس کتب مقدس بنا شده و ساخته و پرداخته فکر انسان نیست. بسیاری از متفکران مسیحی مهم‌ترین قسمت در اثبات الهامی بودن کتاب مقدس را نامه دوم پولس رسول به تیموتائوس ۳: ۱۶ می‌دانند که می‌فرماید: «تمامی کتب از الهام خدا است و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است» (برکوف، ۲۰۰۳: ۲۳). اما بدیهی است که این علت نمی‌تواند دلیل کاملی بر اثبات عهد جدید باشد. زیرا رساله‌های پولس اولین نوشتجات مسیحیت به شمار می‌آید و تا نزدیک به دو قرن بعد هنوز کاتبان عهد جدید مشخص نشده بود (محمدیان و دیگران، ۱۳۸۰: ۵۱۲).

پیش از بیان علل الهامی بودن و حجیت‌داشتن کتاب مقدس در مسیحیت بد نیست به اصولی که پاک‌دینان مسیحی درباره کتاب مقدس بیان می‌کنند اشاره شود. این فرقه مسیحی دو اصل را ذکر می‌کنند که غالب مسیحیان و یهودیان بر آن توافق دارند: اصل اول؛ همه این کتب با الهام از خدا به حاکمیت ایمان و زندگی ایمانداران داده شده است.

اصل دوم؛ عهد عتیق به زبان عبری و عهد جدید به زبان یونانی نازل شده است که بلافاصله از سوی خدا الهام شده و با مراقبت‌های منحصر به فرد و مشیت او، در تمام سال‌ها به همین صورت حفظ شده است. لذا حجیت دارد (Rogerson, 2005: 110). مسیحیان برای توجیه آسمانی بودن کتاب مقدس و الهام آن، علل مختلفی ذکر می‌کنند:

۱. تمکین: خدا با توجه به رحمت بی‌پایان خود، پیام خود را در حد ضعف انسانی ما تنزل داده است (تقوی، ۱۳۸۸: ۳۲). برخی مسیحیان معتقدند داستان‌ها و نوشتارهای کتاب مقدس به سبکی بیان شده که برای انسان‌ها فهمیدنی باشد تا بتوانند موازین اخلاقی و مباحث الاهیاتی را از آن کشف کنند.

نقد: بسیاری از مطالبی که در حد ضعف انسانی ما تنزل داده شده تا برای ما

فهمیدنی باشد با موازین اخلاقی سازگاری ندارد؛ اعمالی که نه پسند خداوند است و نه فرستادگانش. برای نمونه در انجیل متی عیسی به درخواست مادرش توجه نمی‌کند و به دیدار او نمی‌رود (متی ۱۲: ۴۷-۵۰)، در حالی که این عمل مشمول لعن و نفرین خداوند است (تثنیه ۲۷: ۱۶) یا اینکه بارها فقراتی ذکر شده مبنی بر مشروب خوردن عیسی مسیح (متی ۱۱: ۱۹؛ لوقا ۲۲: ۱۶-۱۷) و برخی انبیا (پیدایش ۱۹: ۳۲-۳۳) در حالی که شرب خمر از ویژگی‌های انبیا نیست و عملی ناپسند و دور از زهدگرایی مسیحی است و نوشیدن آن انسان را از حکمت الهی دور می‌کند (امثال ۲۰: ۱؛ ۲۳: ۲۰). درباره داوود آمده است که وی عاشق زنی شوهردار شد و با حيله و نیرنگ موجبات مرگ همسر را فراهم آورد تا بر آن زن (اوریا) دست یابد. داوود حتی در این داستان با این زن شوهردار زنا نیز کرد (دوم سموئیل ۱۱: ۳-۳۱)؛ یا درباره عیسی آمده است که وی از کنار درخت انجیری عبور کرد که موقع میوه‌دهی آن نبود اما عیسی به سبب گرسنگی آن را نفرین کرد که باعث خشک‌شدن درخت شد (متی ۲۱: ۱۸-۲۲؛ مرقس ۱۱: ۲۰-۲۶). چنین نمونه‌هایی را نمی‌توان عملکرد فرستادگان الهی دانست.

۲. املا: روح القدس عهدین را املا کرده است. روح خدا عده‌ای را برانگیخت که ۶۶ کتاب کتاب مقدس را بنویسند (اعمال ۱: ۱۶؛ عبرانیان ۱: ۱۵-۱۷؛ دوم پطرس ۱: ۲۱) (تیسن، بی‌تا: ۶۲). لغت «الهام» ترجمه واژه یونانی به مفهوم «تنفس شده از سوی خدا» است. خدا کتاب مقدس را با زده است. رسولان و نویسندگان کتاب مقدس ایمان داشتند که آنچه می‌نویسند کلام خدا است که از طریق روح القدس به آنان رسیده است (رایت، بی‌تا: ۷۹). درست است که نویسندگان کتاب مقدس متعددند، اما آنان عقاید خود را نوشته‌اند، بلکه سخنان آنان از سوی خدا الهام شده و کلام خدا نامیده می‌شود. کلیسا نیز این ادعا را می‌پذیرد (اسپروول بی‌تا: ۴۰). آیات مختلفی در عهد عتیق نیز وجود دارد که بر املائی بودن کتاب مقدس صحنه می‌گذارد، همچون اشعیا ۸: ۱؛ حزقیال ۹: ۱ و ...

نقد: نخستین اشکالی که بر این علت می‌توان وارد کرد اشکالی مبنایی است. الهام در آیاتی که هنری تیسن به عنوان علت سخنان خود بیان کرده با آنچه در اینجا مد نظر گرفته شده متفاوت است و الهامی بودن کل کتاب مقدس را بیان نمی‌کند و نیز در زمان نگارش این کتب، هنوز عهدینی وجود نداشته است. علاوه بر این، آیات متعددی در کتاب مقدس وجود دارد که این نظریه را نقض می‌کند. برخی آیات طوری است که در

آن روح القدس خطاب قرار می‌گیرد. چنین آیاتی نمی‌توانند املائی بودن کل متون عهدین را اثبات کنند. برای مثال در رساله به رومیان آمده است: «در مسیح راست می‌گویم، نه دروغ، و وجدانم به واسطه روح القدس مرا گواه است که در قلب خود دردی جانکاه و اندوهی همیشگی دارم». در این آیه، سخن از زبان پولس بیان شده و اگر گفته شود روح القدس آن را الهام کرده است این ادعا و سخن معنای خود را از دست می‌دهد (رساله به رومیان ۹: ۱-۲).

برخی آیات نیز گفت و گویی است که بین خدا و پیامبرش صورت گرفته، لذا نمی‌توان آن را املائی خدا به پیامبرش دانست، همچون سخن ارمیای نبی با خداوند «پس کلام یهوه بر من نازل شده گفت ... پس گفتم: آه ای سلطان تعالی یهوه! اینک من تکلم کردن را نمی‌دانم چون که طفل هستم. ... پس کلام یهوه بر من نازل شده گفت: «ای ارمیا! چه می‌بینی؟ گفتم: شاخه‌ای از درخت بادام می‌بینم ... کلام یهوه بار دیگر به من رسیده گفت: «چه چیز می‌بینی؟» گفتم: «دیگی جوشنده می‌بینم که رویش از طرف شمال است» (ارمیا ۱: ۴-۱۴).

همچنین، می‌توان گفت یکپارچگی و یک‌دستگی در کتاب مقدس وجود ندارد و این مسئله نیز با املائی بودن آن تضاد دارد؛ مسئله‌ای که یوسیفوس، دانشمند بزرگ یهودی، به آن اشاره، و از وقوع اختلافات فاحش در کتاب مقدس اظهار تعجب و نگرانی می‌کند (فخرالاسلام، ۱۳۵۳: ۲۲۹). به علاوه، وجود نسخه‌های مختلف از کتاب مقدس و تفاوت‌های فراوانی که در این نسخ وجود دارد خود دلیلی بر املائی نبودن آن است. در واقع، نسخه‌های متعددی همچون نسخه اسکندریه، نسخه سامری، نسخه بیزانسی، نسخه رومی و ... وجود دارد که این نسخه‌ها تفاوت‌ها و تناقضات آشکاری با هم دارند (Briggs, 1982: 45-47). فقط عهد جدید، دارای ۵۸۰۰ نسخه خطی یونانی، ۱۰ هزار نسخه لاتین و ۹۳۰۰ نسخه از دیگر زبان‌های باستانی چون سریانی، اسلاوی، ایتوپی و ارمنی است. طبیعی است که از مقایسه این حجم از دست‌نوشته‌ها، نکات بدیع و شگفتی درباره خطاهای نسخه‌ای به دست خواهد آمد. برای نمونه، نسخه سامری‌ها، که فقط شامل تورات بوده است، در سال ۱۹۱۶ کشف شده که با تورات فعلی حدود شش هزار اختلاف دارد. علاوه بر آن، می‌توان به نسب‌نامه عیسی مسیح در دو انجیل متی (۱: ۱-۱۷) و لوقا (۳: ۲۳-۳۸) اشاره کرد که با یکدیگر تفاوت و تضاد دارند. وجود انواع مختلف متون به این معنا است که بازیابی متون معتبر نخستین احتمالی غیرممکن

است و نمی‌توان بر این کتب به عنوان نسخه اصلی صحه گذارد (گرنٹ و تریسی، ۱۳۸۵: ۲۱۸). کارل لاکمن (Karl Lachmann) و امانوئل بکر (Immanuel Bekker)، که سال‌ها درباره نسخه‌های کتاب مقدس تحقیق کردند، موفق شدند بیش از چهارصد نسخه را شناسایی و حدود شصت جلد از نسخه‌های اصلاح‌شده از نویسندگان یونانی را منتشر کنند. اما آنان معتقدند در مقایسه میان نسخه‌ها نمی‌توان به هویت اصلی کتاب مقدس دست یافت و این مسئله روز به روز برای محقق پیچیده‌تر و مبهم‌تر می‌شود (Metzger, 2005: 159-156). زیرا در قدیم استنساخ به صورت دستی انجام می‌شد و احتمال وقوع تغییر زیاد بود. مستنسخان گاهی از رو می‌نوشتند و گاهی کسی املا می‌کرد و در هر دو صورت گاه کلماتی را تکراری می‌نوشتند و گاه حذف می‌کردند و گاه اشتباه می‌نوشتند. گاهی هم خودشان عمداً اصلاحاتی را در متن اعمال می‌کردند. بنابراین، دستیابی به نسخه اصلی و درست به نوعی غیرممکن است.

اشکال دیگر این است که بسیاری از متون را انبیا نوشته‌اند، همچون اناجیل که نویسندگان، متون شفاهی را تبدیل به متن کردند. بنابراین، اگر این دست از متون را ملهم بدانیم باید قائل بود که متن نویسنده الهامی‌تر از خود کلام انبیا است.

۳. تألیف خدا: مؤلف نهایی عهدین خداوند است. این خداوند است که کتاب مقدس را کامل و تحت‌اللفظی الهام کرده و نفس خود را در آن دمیده است (دوم تیموتائوس، ۳: ۱۶). شورای واتیکان دوم دیدگاه خود را درباره کتاب مقدس در مصوبه‌ای با نام «کلام خدا» عرضه، و جنبه الهی بودن آن را به تفصیل بیان کرد. رایت در این باره می‌نویسد:

اقتدار و حجیت، مفهومی بسیار فراتر از «سخن‌گفتن» خدا دارد، به‌خصوص زمانی که آن را در قالب مفهوم پادشاهی خدا در نظر بگیریم. اقتدار و حجیت به معنای حاکمیت مطلق خدا است که در سراسر پهنه قدرتمند خدا است که در عیسی مسیح متجلی شده و گناه را نابود و خلقت جدید را محقق می‌سازد (رایت، بی‌تا: ۶۰).

طبق این دیدگاه، نویسندگان، ابزاری برای نوشتن الهام هستند. آگوستین در این باره معتقد است نویسندگان دستان مسیح بودند که این کتاب را نوشتند؛ یا گریگوری می‌گوید نویسندگان کتاب مقدس نوشت ابزاری در دست مسیح بودند. در کتاب *تعالیم*

کلیسای کاتولیک آمده است: «خدا نویسنده کتاب مقدس است. چون او به نویسندگانی از نوع بشر کتاب مقدس را وحی کرد و خداوند بدین طریق اراده خود را محقق کرده است» (Konstant, 2004: 136).

نقد: اگر کل کتاب مقدس تألیف خداوند باشد باید در نحوه بیان سبک و شیوه تمام نوشته‌های آن یک‌دست و یک‌پارچه باشد، در حالی که این کتاب سبک‌های گوناگونی دارد. این دگرگونی به اندازه‌ای است که گرت و تریسی درباره انطباق انجیل فعلی با سخنان عیسی می‌گویند بدین معنا نیست که تمام کلماتی که از عیسی گزارش شده دقیقاً به همان شکلی باشد که انجیل‌نویسان نوشته‌اند (گرت و تریسی، ۱۳۸۵: ۲۱۶). البته بسیاری از مسیحیان معتقدند این مجموعه نوشته‌ها یک کتاب شدند و بین تمام داستان‌ها، اشعار، گفتارها و پیش‌گویی‌های آن یگانگی و انسجام وجود دارد (Buber & Rosenzweig, 1994: 4). اما به آسانی می‌توان بر این ادعا خدشه وارد کرد. زیرا آیات متعددی در کتاب مقدس وجود دارد که یکدیگر را نقض می‌کنند. لذا نمی‌توان نویسندگان را ابزار دانست و کل متن را تألیف خداوند قلمداد کرد. نمونه‌های فراوانی در عهدین می‌توان یافت، از جمله طبق کتاب اول سموئیل، شائول خود را بر شمشیرش انداخت و خودکشی کرد (۴: ۳۱). اما بر اساس کتاب دوم سموئیل یک عمالیقی به درخواست خود شائول وی را کشت (۷: ۱). در آیاتی از کتاب مقدس، مردم به اطاعت از حکومت فرا خوانده می‌شوند و حاکمان را کارگزارانی می‌داند که از طرف خدا مشغول خدمت‌اند (رومیان ۱۳: ۱-۷)، اما در آیاتی دیگر عیسی مسیح حاکم را روباه می‌نامد و از آنان بدگویی می‌کند (لوقا ۱۳: ۳۱). حتی تناقضات الاهیاتی فراوانی نیز دیده می‌شود. مثلاً برخی آیات، عیسی را هم‌تراز و برابر با خدای پدر می‌دانند (یوحنا ۱۰: ۳۰)، اما برخی پدر را برتر و بزرگ‌تر می‌شمرند (یوحنا ۱۴: ۲۸). برخی آیات بر التزام‌نداشتن به شریعت سخن می‌گویند (رومیان ۷: ۶) اما برخی آیات التزام عملی به آن را لازم می‌دانند (متی ۵: ۱۷-۱۹).

اختلاف در آیات مسئله‌ای است که متکلمان بزرگ مسیحی نیز به آن توجه کرده‌اند. آنان سعی در توجیه و حل مسئله دارند. اریگن در این باره می‌گوید به سبب وجود اختلاف میان اناجیل، محقق مجبور خواهد بود به یکی از اناجیل مراجعه کند؛ و چون از سویی نمی‌تواند کل عقاید دینی را مردود شمارد لذا باید بگوید معنای حقیقی و ظاهری این الفاظ مراد نبوده است. وی حتی تفسیر تاریخی کردن برخی آیات را به سبب اختلافاتی که دارند غیرممکن می‌داند (گرت و تریسی، ۱۳۸۵: ۹۷)، اما در واقع نمی‌توان چنین توجیهاتی را پذیرفتنی دانست.

در واقع کم و زیاد شدن برخی آیات و به وجود آمدن اختلافات جزئی و عمده مسئله‌ای است که با حجیت این کتاب و تألیف الاهی‌بودن کامل آن سازگاری ندارد. متون اصلی کتاب مقدس (یعنی متونی که نویسندگان اصلی آن را نوشته بودند) در دسترس نیست. اولین رونوشت‌ها از این متون و حتی نسخه‌هایی را که از رونوشت‌های اولیه استنساخ شده باشد در اختیار نداریم. آنچه بر جای مانده نسخه‌هایی متأخر است. به علاوه، نسخه‌های متأخری که در دسترس ما است با هم اختلافات فراوانی دارد؛ هم اختلافات جزئی و هم اختلافات عمده و مهم.

مثال‌های متعددی از این اختلافات وجود دارد. طبق بسیاری از نسخه‌های قدیمی، باب ۸ انجیل مرقس در آیه ۱۶ تمام می‌شود، اما نویسندگان بعدی ۱۲ آیه به این باب اضافه کردند. داستان زن بدکاره‌ای که عیسی او را آزاد کرد در نسخه‌های متأخر بین فصل ۷ و ۸ آمده، اما در هیچ یک از نسخه‌های قدیمی این داستان بیان نشده است، که نشان از وارداتی و جعلی‌بودن آن است.

همچنین در متی ۳۶: ۲۴ آمده است: «هیچ کس زمان روز قیامت را نمی‌داند حتی پسر ...». برخی نساخ عبارت «حتی پسر» را حذف کرده‌اند. شاید به این سبب حذف شده که این عبارت با الوهیت داشتن عیسی سازگاری ندارد. اگر این مطلب اثبات‌شدنی باشد می‌توان گفت برخی نسخه‌نویسان، بر اساس آموزه‌های موجود دست به چنین تحریفاتی می‌زدند و بر اساس گرایش‌های الاهیاتی خود نسخه را تنظیم می‌کردند.

۴. مسیح اعتبار عهد عتیق را تأیید کرده و در آیات مختلفی از عهد جدید صحت اعتبار عهد عتیق را نشان داده است (متی ۵: ۱۷ و ۱۸؛ لوقا ۲۴: ۲۷ و ۴۴ و ۴۵؛ یوحنا ۱۰: ۳۴-۳۶). در واقع، بسیاری از استدلال‌های سنتی در باب حجیت کتاب مقدس، متکی بر آن دسته از گفته‌های خاص عیسی است که مؤکداً نشان می‌دهند او به حجیت کتاب مقدس معتقد بود (Hommer, 1993: 65) و از مخالفانش، که موضعی غیر از این داشتند، انتقاد می‌کرد (رایت، بی‌تا: ۷۳؛ نک: متی ۲۲: ۲۹؛ متی ۱۵: ۶-۹؛ یوحنا ۱۰: ۳۵). مسیحیان معتقدند اگر عیسی خدایی بود که در جسم ظاهر شد، پس بی‌شک از حقایق اطلاع داشت و اگر مطالب عهد عتیق صحیح نبود وی به هیچ وجه آنها را تأیید نمی‌کرد (تیسن، بی‌تا: ۵۶). بنابراین، با نگاهی گذرا به عهد جدید می‌توان دریافت که نویسندگان عهد جدید همواره به عهد قدیم تمسک می‌کردند و همین مسئله نشان از اعتبار کامل عهد عتیق دارد (Companion ENC. Of Theology, 1995: 47). آنان این نوع نگرش را در تعالیم

خود حضرت مسیح یافتند؛ چراکه حضرت مسیح مانند سایر یهودیان به عهد عتیق معتقد بود، به آن استناد می‌کرد و به تفسیر آن می‌پرداخت (Geisler, 1999: 59). عیسی مسیح به سه شیوه کتاب مقدس عبری را تأیید کرد: الف. شهادت داد که عهد عتیق هرگز از بین نخواهد رفت (متی ۵: ۱۷ و ۱۸؛ لوقا ۱۰: ۲۶؛ ۲۱: ۲۲؛ یوحنا ۱۰: ۳۵). در واقع، عهد عتیق در زمان مسیح، کتابی مستقل و باهویت تلقی می‌شد (خاجیکی، ۲۰۰۷: ۳۴)؛ ب. مسیح معتقد است عهد عتیق درباره او سخن می‌گوید (متی ۲۶: ۲۴؛ مرقس ۹: ۱۲؛ لوقا ۱۸: ۳۱؛ ۲۴: ۴۴؛ یوحنا ۵: ۳۹)؛ ج. با نقل قول کردن از عهد عتیق، اعتبار آن را تأیید می‌کند (متی ۴: ۴ و ۷ و ۱۰؛ ۲۱: ۱۳؛ ۲۶: ۳۱). بی‌شک تکریم و تأیید عهد عتیق از سوی مسیح و استفاده از آن قوی‌ترین دلیل برای الهامی بودن عهد عتیق است (وودورت و دانکن، بی‌تا: ۶۴). پولس نیز درباره نوشته‌های خود معتقد است آنها در سطح کتب مقدس عبری تقلیدشدنی هستند (سارو خاجیکی، ۲۰۰۷: ۳۷). در واقع، وی با این بیان سخنان عیسی را تأیید و بر اعتبار هر دو عهد تأکید می‌کند (نک.: اول قرنتیان ۲: ۱۳؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ اول قرنتیان ۱۴: ۳۷؛ اول تیموتائوس ۱: ۱).

عیسی مسیح بر اعتبار عهد جدید نیز صحنه می‌گذارد و اعتبار و حجیت آن را تأیید می‌کند. طبق انجیل یوحنا (۱۶: ۱۲-۱۵)، مسیح به دو موضوع بسیار مهم اشاره کرده است: الف. مسیح وعده می‌دهد که روح‌القدس از طریق هدایت ایمانداران به جمیع راستی، مکاشفه الهی را کامل می‌کند. او ایمانداران را قادر می‌سازد تعالیم مسیح را درک کنند و آنها را در زندگی خود به کار گیرند.

ب. مسیح به مکاشفه عهد جدید قبل از اینکه به نویسندگان آن الهام شود، اشاره می‌کند. در واقع، او پیشایش به عهد جدید اعتبار بخشید. اعتباربخشیدن به معنای به رسمیت شناختن اقتدار صحت چیزی است. بدین وسیله نوشته شدن اناجیل، کتاب اعمال رسولان، رساله‌ها و کتاب مکاشفه پیش‌گویی و تأیید می‌شود (وودورت و دانکن، بی‌تا: ۶۵-۶۶). همان‌طور که رسولان نیز در نوشته‌های خود مدعی مکاشفه الهی از سوی روح‌القدس هستند (افسیان ۳: ۱-۱۲؛ دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱).

عناوینی که نویسندگان عهد جدید برای عهد عتیق به عنوان منبعی موثق استفاده کردند دلیلی آشکار بر حجیت عهد عتیق برای مسیحیان است. نویسندگان عهد جدید عناوین زیر را برای عهد عتیق به کار بردند: ۱. کلام خدا (یوحنا ۱۰: ۳۵)؛ ۲. کتاب (یوحنا ۱۹: ۳۶؛ دوم پطرس ۱: ۲۰)؛ ۳. کتب مقدسه (رومیان ۱: ۲؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۵)؛ ۴. تورات

(یوحنا ۱۰: ۳۴، ۱۲: ۳۴، اول قرنتیان ۱۴: ۲۱)؛ ۵. شریعت (یوحنا ۱۵: ۲۵)؛ ۶. تورات و صحف انبیا (متی ۵: ۱۷، ۷: ۱۲، ۲۲: ۴۰؛ لوقا ۱۶: ۱۶، ۲۴: ۴۴؛ اعمال ۱۳: ۱۵، ۲۸: ۳۳).

نقد: همان‌طور که پیش از این گفته شد، وجود نسخه‌های مختلف از عهدین دست‌یابی به نسخه اصلی را غیرممکن کرده است (گرت و تریسی، ۱۳۸۵: ۲۱۸). لذا باید گفت نسخه‌ای که عیسی مسیح به آن اشاره دارد برای ما مشخص و شناختنی نیست. بنابراین، نمی‌توان تأییداتی را که از عیسی در اناجیل آمده است علت اعتبار کل کتاب کنونی دانست. از سوی دیگر، عیسی مسیح هیچ‌گاه کل کتاب مقدس را تأیید نکرده، بلکه برخی از کتب را مد نظر داشته است. گاه از تورات نام برده و گاهی هم از مزامیر و ... این مسئله نیز با حجیت کل عهدین تضاد دارد.

با اینکه عیسی مسیح گاه استدلال کلامش را به عهد عتیق ارجاع می‌دهد (نک: متی ۲۲: ۳۵-۴۰) ولی اختلاف میان عهدین در نسخه‌های امروزی به‌وفور یافت می‌شود، به طوری که گاه یکدیگر را نقض می‌کنند. لذا فقط می‌توان به آنچه عیسی مسیح به آن ارجاع داده توجه ویژه کرد و بقیه را باید بررسی، تحلیل، ارزیابی و نقد کرد. بنابراین، نمی‌توان استناد عیسی به برخی آیات را دلیل حجیت دانست. زیرا اختلافات و تناقضات مانع از حجیت کتاب مقدس است. لذا کلمات و استنادات عیسی مسیح فقط می‌تواند همان آیات مد نظر عیسی را تأیید کند.

۵. دلایل مربوط به باستان‌شناسی و تاریخ نیز بر موضوعات مذکور در کتاب مقدس صحت می‌گذارد و آن را تأیید می‌کند. دشمنان کتاب مقدس قبلاً ادعا می‌کردند که قسمت‌های تاریخی کتاب مقدس عبارت است از مجموعه افسانه‌های قوم یهود، ولی اکنون علم باستان‌شناسی با دلایل فراوانی ثابت کرده است که تمام این وقایع با الهام الاهی به‌درستی ثبت شده است و علوم حقیقی هیچ‌گاه با مطالب کتاب مقدس تضادی ندارند (فینلی، بی‌تا: ۶).

در واقع، تمام مطالبی که در کتاب مقدس درباره فرمانروایان و حوادث تاریخی وارد شده به وسیله کشفیات تاریخی تأیید شده است. مثلاً ماجرای شلمنسر چهارم، که پادشاه آشور بود و در سال نهم پادشاهی‌اش شهر سامره را محاصره کرد و مردم اسرائیل را به اسارت به آشور برد (دوم پادشاهان ۱۷: ۳-۶)، از لحاظ باستان‌شناسی تأیید شده است؛ چراکه تاریخ نشان می‌هد او در سال‌های ۷۰۵-۷۲۲ قبل از میلاد سلطنت کرد (تیسن، بی‌تا: ۵۶).

ویلیام البرایت، استاد باستان‌شناسی دانشگاه هاپکینز، می‌گوید هیچ شکی نیست که باستان‌شناسی، اصالت تاریخی عهد عتیق را تأیید کرده است. میلر بوروز، استاد دانشگاه پل، نیز معتقد است یکی از خدمات ارزنده باستان‌شناسی، بدون شک تأیید درستی مطالب کتاب مقدس بوده است. تعداد باستان‌شناسانی که در اثر حفاری‌ها در فلسطین احترام بیشتری به کتاب مقدس پیدا کرده‌اند، کم نیست (خاجیکی، ۲۰۰۷: ۸۷).

نقد: هرچند بسیاری از حوادث تاریخی که در کتاب مقدس بیان شده از منظر علم باستان‌شناسی تأیید شده اما نمونه‌هایی وجود دارد که به نوعی خطاهای علمی در آن است و حتی علم باستان‌شناسی نیز نمی‌تواند آن را تأیید کند، مانند طوفان نوح. طبق سفر پیدایش، ماجرای طوفان نوح در ششصدسالگی نوح رخ داد (پیدایش ۷: ۶). بنابراین، این واقعه حدود ۴ هزار سال پیش اتفاق افتاده است، در حالی که علم باستان‌شناسی از وجود تمدن یونان در آن سال‌ها سخن می‌گوید و هنوز آثارشان باقی است و این با نابودشدن کل بشر، به جز مسافران کشتی (پیدایش ۷: ۲۳)، در تضاد است.

اریگن پس از بیان نمونه‌های مختلف غیرعقلانی که در خارج رخ نداده معتقد است هزاران نمونه از این‌گونه مثال‌ها در عهد قدیم و عهد جدید وجود دارد. او می‌گوید مطالبی وجود دارد که او را متقاعد خواهد کرد که حوادثی که اصلاً رخ نداده‌اند، داخل گزارش حوادثی شده‌اند که به‌راستی رخ داده‌اند (گرت و تریسی، ۱۳۸۵: ۹۶-۹۷).

۶. پیش‌گویی‌هایی که در عهد عتیق وارد شده و عهد جدید وقوع آن را تأیید می‌کند، که این به کتاب مقدس و حقانیت آن اعتبار می‌بخشد و حجیت آن را به اثبات می‌رساند، از جمله: الف. تولد مسیح در بیت لحم (میکاه ۵: ۲؛ مقایسه کنید با: متی ۲: ۱)؛ ب. تولد مسیح از زنی باکره (اشعیا ۷: ۱۴؛ مقایسه کنید با: متی ۱: ۱۸)؛ ج. سواربودن عیسی بر کره‌الاغ و ورودی پیروزمندانه (زکریا ۹: ۹؛ مقایسه کنید با: یوحنا ۱۲: ۱۳-۱۴)؛ د. نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که به ذکر آیات اکتفا می‌شود (مزمیر ۴۱: ۹؛ مقایسه کنید با: مرقس ۱۴: ۱۰؛ اشعیا ۵۳: ۳؛ مقایسه کنید با یوحنا ۱: ۱۱؛ اشعیا ۵۳: ۱۲؛ مقایسه کنید با متی ۲۷: ۳۸؛ مزمیر ۶۸: ۱۸؛ مقایسه کنید با افسسیان، ۴: ۷-۱۰ و ...).

نقد: هرچند برخی از پیش‌گویی‌ها در عهد جدید محقق شده اما بسیاری از پیش‌گویی‌ها درست واقع نشده است که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم: طبق آیاتی از کتاب مقدس، عیسی بعد از آنکه از میان مردگان برخاست قرار بود حواریون را در جلیل دیدار کند (متی ۲۸: ۷؛ مرقس ۱۶: ۷) در حالی که طبق گفته لوقا، عیسی با حواریون

در اورشلیم دیدار کرد (لوقا ۲۴: ۳۶) و بدین ترتیب پیش‌گویی محقق نشد. در برخی آیات، طبق پیش‌گویی عیسی مسیح، برخی افراد ملکوت خدا را قبل از مرگشان خواهند دید (مرقس ۹: ۱؛ متی ۱۹: ۱۴) و بدین ترتیب فرارسیدن ملکوت خدا را نزدیک دانست، در حالی که هنوز ملکوت خدا رخ نداده است. به سبب همین محقق‌نشدن پیش‌گویی‌ها، کلیسا برای نمونه‌های این‌چنینی تفسیری جدید عرضه کرد که منجر به تحریف شد (گرت و تریسی، ۱۳۸۵: ۲۱۶).

عیسی در میان فریسیان و عده‌ای از علمای یهود مرگ خود را پیش‌گویی کرد و گفت سه شبانه‌روز در دل خاک خواهد بود، همچون یونس که سه شبانه‌روز در دل ماهی بود (متی ۱۲: ۴۰)، اما عیسی دو روز در قبر بود و بعد از میان مردگان برخاست (یوحنا ۱۹ و ۲۰). لذا پیش‌گویی وی محقق نشده است.

با همه این اوصاف، باید دانست که علی‌رغم اختلاف میان مسیحیان در این موضوع، غالب کلیساها معتقد به حجیت کتاب مقدس و عصمت آن هستند و آن را کلام خدا می‌دانند (Rogerson, 2005: 11). البته علاوه بر موضوع وحی و علل مذکور، می‌توان دلایل دیگری نیز برای حجیت درون‌دینی کتاب مقدس بیان کرد که به یک نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

تأثیر عظیم کتاب مقدس بر زندگی بشر: تأثیر کتاب مقدس جهانی و همه‌جایی است. کتاب مقدس تمامی عرصه‌های زندگی را متأثر کرده است. مطالب آن الهام‌بخش بزرگ‌ترین شعرا، هنرمندان و حتی موسیقی‌دانان عالم بوده است. کتاب مقدس مؤثرترین عامل در شکل‌دهی به پیشرفت اخلاقی بشر بوده است. این تأثیرگذاری نشان از آن دارد که این کتاب نیز از قدرت و نیروی نویسنده‌اش (یعنی خدا) برخوردار است؛ زیرا در غیر این صورت نمی‌توان برای تأثیر شگرف این کتاب تبیینی به دست داد (تیسن، بی‌تا: ۴۷).

نقد: هیچ‌گاه نمی‌توان تأثیرات کتاب مقدس بر جامعه خود را دلیل بر حجیت آن دانست. زیرا اگر در هر جامعه‌ای تأکید بر کتاب یا هر چیز دیگری شود موجب ایجاد تقدس و خط قرمز برای آن می‌گردد و درباره آن اسطوره‌هایی شکل می‌گیرد که در واقع این فضای ایجادشده موجب این شگفتی‌ها می‌شود. از سوی دیگر، کتاب‌های مختلفی در طول تاریخ وجود دارد که تأثیر فراوانی بر جامعه و افراد به طور خاص گذاشته است، اما حجیت ندارد. لذا نمی‌توان این ویژگی‌ها را علت حجیت داشتن کتاب

مقدس دانست. مثلاً می‌توان به کتاب‌های اپوکریفایی اشاره کرد که فقط نزد کلیسای کاتولیک حجیت و اعتبار دارد، در حالی که این کتب، از جمله کتب تأثیرگذار بر جریان زندگی و الاهیات مسیحی است. اما برای بسیاری از مسیحیان حجیت ندارد و رسماً پذیرفته نشده است. به علاوه باید گفت چنین استدلالی نمی‌تواند دلیلی برای حجیت کتاب مقدس و مدعی الهامی بودن آن باشد.

نتیجه

منبع اصلی اندیشه‌ورزی الاهیاتی در یهودیت و مسیحیت مبتنی بر کتاب مقدس است. مسیحیت، به عنوان دینی که پایه‌گذار بررسی حجیت کتاب مقدس است، معتقد است کتاب مقدس از طریق روح القدس بر نویسندگان نازل شده و این کتاب از ابتدا اعتبار و حجیت داشته است. دلایل متعددی برای اثبات حجیت مطرح کردند که مهم‌ترین آن آسمانی بودن این کتاب است. تألیف این کتاب از سوی خداوند خود دلیلی بر تحریف‌ناپذیری و اعتبار وافر آن است. آیات فراوانی در کتاب مقدس وجود دارد که نشان می‌دهد روح القدس عهدین را املا کرده است و باید آن را کلام خدا دانست. عیسی مسیح نیز در کلماتش اعتبار عهد عتیق و جدید را ضمانت کرد و تاریخ باستان‌شناسی نیز مؤید سخنان او و پیش‌گویی‌های کتاب مقدس بوده است. لذا باید گفت از منظر مسیحیان راست‌کیش، کتاب مقدس اعتبار و حجیت دارد و همه موظف به اطاعت از فرمان‌های آن هستند. علاوه بر دلایل دورن‌دینی بر حجیت کتاب مقدس، می‌توان تأثیرات عظیمی را که این کتاب بر جامعه مسیحی گذاشته و حرمتی را که این کتاب در میان پیروان مسیحی ایجاد کرده است دلایلی دیگر بر حجیت کتاب مقدس در مسیحیت دانست.

اما در پاسخ به این استدلال‌ها می‌توان گفت این علل نمی‌توانند حجیت و اقتدار کتاب مقدس را تأیید کنند؛ چراکه به همه این علل، اشکالات مهمی وارد است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. نسخه‌های متعددی از کتاب مقدس وجود دارد که با یکدیگر اختلافات فاحش محتوایی دارند؛

۲. برخی آیات گفت‌وگو میان خداوند و انبیا است و ربطی به روح القدس ندارد؛

۳. اختلافات فراوانی میان عهدین و حتی میان هر کدام وجود دارد؛

۴. برخی پیش‌گویی‌ها محقق نشده است؛
 ۵. بسیاری از وقایع مطرح‌شده در کتاب مقدس، از لحاظ تاریخی و باستان‌شناسی تأییدشدنی نیست؛
 ۶. برخی از نسخ، بر اساس معیارهای الاهیاتی خود دست به تغییر برخی متون می‌زدند؛
 ۷. عیسی مسیح تمام عهدین را مد نظر قرار نداده و همه را تأیید نکرده است؛
 ۸. تأثیرات و قدرت یک کتاب نمی‌تواند عامل حجیت آن باشد؛
 ۹. اختلافات جزئی و عمده موجود در کتاب مقدس با املائی‌بودن این کتاب تناقض دارد. حتی گاه اختلافات الاهیاتی نیز در این تناقضات دیده می‌شود.
- بنابراین، می‌توان گفت جوامع علمی نمی‌تواند استدلال‌های مسیحیان بر اثبات حجیت درون‌دینی کتاب مقدس را بپذیرد و تأیید کند. این مسئله نیز اثبات‌کننده حجیت دورن‌دینی کتاب مقدس نیست.

پی‌نوشت

۱. دو واژه rbol و toqep در منبعی که از آن نوشته شده به همین صورت بوده و با خط عبری یا عربی بیان نشده است. به همین دلیل این دو واژه چنین نوشته شده تا در ترجمه متن مقاله دست برده نشود.

منابع

- کتاب مقدس.
- اسپرول آر. سی. (بی‌تا). *حقایق اساسی ایمان مسیحی*، بی‌جا: انتشارات نور جهان.
- باوم، گریگوری (بی‌تا). *کلام و راز در کلیسا*، بی‌جا: انتشارات ایلام.
- برکوف، لوئیس (۲۰۰۳). *خلاصه اصول اعتقادات مسیحیت*، آمریکا: بی‌نا.
- پانز برگ، ولفهارت (۱۳۸۶). *درآمدی به الاهیات نظام‌مند*، ترجمه: عبدالرحیم سلیمانی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- تقوی، حسین (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی ویژگی‌های نوشتاری کتاب مقدس و قرآن کریم»، در: *معرفت ادیان*، س ۱، ش ۱، ص ۹-۴۲.
- تیسن، هنری (بی‌تا). *الاهیات مسیحی*، ترجمه: طاطه‌وس میکائیلیان، تهران: حیات ابدی.
- خاچیکی، سارو (۲۰۰۷). *کتاب مقدس را بهتر بشناسیم*، بی‌جا: انتشارات ایلام.

- رایت، ان. تی. (بی‌تا). *کتاب مقدس و اقتدار خدا*، ترجمه: میشل آقامالیان، بی‌جا: بی‌نا.
- فخرالاسلام، محمدصادق (۱۳۵۳). *انیس الاعلام*، طبع جدید، تهران: مرتضوی.
- فینلی، م. آج (بی‌تا). *در جست‌وجوی حقیقت*، ترجمه: ط. میکائیلیان، تهران: حیات ابدی.
- گرنث، رابرت؛ تریسی، دیوید (۱۳۸۵). *تاریخچه مکاتب تفسیری و هرمنوتیکی کتاب مقدس*، ترجمه: ابوالفضل ساجدی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ماسون، دنیز (۱۳۷۹). *قرآن و کتاب مقدس: درون‌مایه‌های مشترک*، تهران: نشر سهروردی.
- محمدیان، بهرام؛ و دیگران (۱۳۸۰). *دایرةالمعارف کتاب مقدس*، تهران: نشر روز نو.
- مک‌گراث، ایستر (۱۳۸۴). *درس‌نامه الاهیات مسیحی*، ترجمه: بهروز حدادی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- وودورت، فلویید سی.؛ دانکن، دیوید (بی‌تا). *بنیاد راستی*، ترجمه: بهرام، بی‌جا: کلیسای جماعت ربانی.
- لین، تونی (۱۳۹۰). *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه: روبرت آسریان، تهران: فرزانه روز.
- Bowden, John (2005). *Christianity: the Complete Guide*, London: Continuum.
- Briggs, R. C. (1982). *Interpreting the New Testament Today: An Introduction to Methods and Issues in the Study of the New Testament*, Nashville: Abingdon.
- Bromiley, G. W. (1979). "Authority", in: *The International Standard Bible ENC*, USA: Wm.B. Eerdmans Pub.
- Buber, Martin; Rosenzweig, Franz (1994). *Scripture and Translation*, Translated by Lawrence Rosenwald with Evertt Fox (from German language), Indiana University Press.
- Chilton, Bruce (1999). *Types of Authority in Formative Christianity and Judaism*, Routledge.
- Companion Encyclopedia of Theology* (1995). Edited by Peter Byrne and Leslie Houlden, Routledge, 1st ed.
- Coogan, Michael D. (2008). *The Old Testament: a Vary Short Introduction*, New York: Oxford.
- Geisler, Norman L. (1999). *Baker Encyclopedia of Christian Apologetics*, Baker Books.
- Grant, R. Jeffrey (1997). *The Handwriting of God: Sacred Mysteries of the Bible*, Frontier Resarch Pub.
- Hammer, Raymond (1993). *Authority of the Bible*, Bruce M. Metzger & Michael D., Coogan: The Oxford Companion to the Bible, New York: Oxford.
- Konstant, David (2004). *Catechism of the Catholic Church*, London: Burns & Oates.
- Metzger, Bruce; Ehrman, Bart (2005). *The Text of the New Testament*, New York: Oxford.
- Meynell, Mark, "First Things Frist ... and Last: the Authority of Scripture for Today", available at: http://www.theologynetwork.org/Media/PDF/Mark_Meynell-First_Things_First_and_Last-The_Authority_of_Scripture_for_Today.pdf (29 June 2016).
- Migliore, Daniel L. (2004). *Faith Seeking Understanding: an Introduction to Christian*

Theology, W. B. Eerdmans.

Pelikan, Jaroslav (2005). *Whose Bible is it?*, USA: Viking.

Rogerson, John (2005). *An Introduction to the Bible*, London: Equinox Pub.

Vangemeren, Willem A. (1999). *A Guide to Old Testament Theology and Exegesis*, USA: Zondervan Publishing House.

Waida, Manabu (2005). "Authority", in: *Encyclopedia of Religion*, second edition, USA: Macmillan Reference.

